

بررسی تطبیقی روایت جهانگردان مسلمان از بنای کعبه و مسجدالحرام (قرن ۸-۳ ق)

پریسا قربان‌نژاد*

ناصر عیاری**

چکیده

مسجدالحرام و کعبه پیش از اسلام و پس از آن به سبب حدوث بلایای طبیعی و غیرطبیعی بارها مورد بازسازی قرار گرفته و تغییرات کلی و جزئی در ابعاد آن صورت پذیرفت و تا نیمه دوم قرن دوم قمری گسترش حداکثری یافت. اما درخصوص اینکه از قرن سوم تا هشتم قمری چه تغییراتی در بنای آنها حاصل شد و کدام متغیرها در آن دخیل بود، گزارش جهانگردان می‌تواند اطلاعات دست اولی را در اختیار قرار دهد. یافته‌های قابل تطبیق شامل گزارش‌های سیاحان است که پژوهشگر با رعایت ترتیب زمانی آنها را مقایسه و نتایج حاصل را در ابعاد مسجدالحرام، حجراسماعیل، مقام ابراهیم و کعبه گزارش نموده است. نتایج حاکی از تشابه تقریبی در گزارش‌ها، تغییرات کمی محدود و تحول کیفی و هنرمندانه در بناهاست، اما تفاوت روایت‌ها، متأثر از دیدگاه‌های متمایز و فضای فرهنگی حاکم بوده است. مقاله حاضر به روش توصیفی تحلیلی همراه با مطابقت داده‌ها سعی دارد گزارش جهانگردان مسلمان را در خصوص بناهای مذکور واکاوی و مطابقت نماید.

واژگان کلیدی

کعبه، مسجدالحرام، معماری، جهانگردان، قرون میانه.

ghorbannejad@alzahra.ac.ir
naser.ayari47@gmail.com
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۲۳

*. دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ فرهنگ و تمدن ملل اسلام دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارومیه - ایران.
**. دانشیار دانشگاه الزهراء.
تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۵/۲۱

طرح مسئله

مسجدالحرام به‌عنوان مهم‌ترین مکان زیارتی مسلمانان، با محوریت کعبه، در ساده‌ترین شکل بنا نهاده شد، اما در عین سادگی، متعالی‌ترین معانی - یعنی تذکار خداوند - را متجلی نمود. این تذکار برگرفته از تعالیم نبی اکرم ﷺ و مایه احیای فطریات انسانی در معماری اسلامی، به‌عنوان بیرونی‌ترین مظهر و ماندگارترین اثر در تمدن اسلامی است.

چگونگی بنای کعبه و مسجدالحرام و تغییرات آن از قرن ۳ ق به بعد، علاوه بر منابع تاریخی و منابعی که به‌طور مستقیم و غیرمستقیم، به توصیف شهر مکه و اماکن آن پرداخته‌اند،^۱ در گزارش جهانگردان مسلمانی که مشاهدات خود را در قالب سفرنامه، کتب مسالک و ممالک و جغرافیا به رشته تحریر درآورده‌اند، قابل مشاهده است. از آنجا که در قرن ۸ - ۳ ق سفرهای جغرافیایی و توصیفی در تمدن اسلامی به دلایل مختلفی خصوصاً مسائل علمی، گسترش یافت، آثاری بر مبنای انتقال مستقیم اطلاعات، دقت در توصیف مشاهدات، تجربه، کشف و شناسایی به نگارش درآمد^۲ که برخی از آنها حاوی اطلاعات ذی‌قیمت و نگرش ویژه به کعبه و مسجدالحرام بودند، لذا نگارنده چارچوب پژوهش را محدود به بررسی این منابع نمود.

اما مشکل جدی کار، حجم کم مطالب مرتبط بود. لذا از منابع مذکور، آنهایی که حجم مطالبشان به میزانی بود که امکان تطبیق داشت، مانند ابن‌خرداذبه (م ۲۸۰ ق)، یعقوبی (م ۲۸۴ ق)، ابن‌رسته (۲۹۰)، سیرافی (م ۳۶۸ ق)، حدود العالم (تألیف ۳۷۲ ق)، مقدسی (م ۳۷۵ ق)، ناصر خسرو (م ۴۸۱ ق)، علی بن ابی‌بکر هروی (م ۶۱۱ ق)، ابن‌جیبیر (۶۱۴ ق)، مستوفی (م ۷۵۰ ق) و حافظ ابرو (م ۸۳۳ ق)، به ترتیب زمانی انتخاب شدند.^۳ لازم به یادآوری است که سیاحانی مانند ابن‌رسته، یعقوبی، مقدسی، ناصرخسرو، هروی و ابن‌جیبیر و ... که به قصد حج سفر نموده‌اند یا مکه را سیاحت و مشاهدات خود را به‌طور دقیق در قالب «سفرنامه» گزارش کرده‌اند،^۴ در درجه اول اهمیت قرار دارند. اطلاعات این منابع یا حین سفر توسط جهانگردان یادداشت‌برداری شده یا مدتی پس از سفر به رشته تحریر درآمده، مانند «*لاشارات الی معرفة الزیارات*» علی‌ابن‌بکر هروی (م ۶۱۱ ق) که خالی از اشکال نیست.^۵ عده‌ای نیز مانند ابن‌خرداذبه، مستوفی و ... راه‌های مواصلاتی مناطق مختلف به مکه و بالعکس را مورد مطالعه و در کتب «مسالک و ممالک» منعکس نموده‌اند و لزوماً به مکه نرفته‌اند، اما برای تبرک، شرح دقیقی از کعبه و مسجدالحرام - با تکیه بر شنیده‌ها یا منابع و اسناد مکتوب - در مقدمه اثر خود نوشته‌اند که در درجه دوم اهمیت قرار دارند. در این میان معدود سیاحانی نیز از آثار گذشتگان صرفاً رونویسی کرده‌اند که بدان اشاره خواهد شد.

مسئله نگارنده در این مقاله، بررسی تغییرات کلی و جزئی بنای کعبه و مسجدالحرام، در فاصله قرن ۸ - ۳ ق، به روایت جهانگردان مسلمان است. نگارنده در این پژوهش، با آگاهی از اینکه ساخت کعبه از نظر تاریخی مقدم بر مسجدالحرام است، اما به ترتیب مسجدالحرام و تک بناهای درون آن و سپس کعبه و ابعاد آن را مورد بررسی قرار داده است.

پیشینه تحقیق حاکی از آن است که غالباً پژوهش‌های در خصوص کعبه و مسجدالحرام از منظر حکمت هنر اسلامی به بررسی فلسفی و عرفانی فضاها پرداخته‌اند یا از دیدگاه قرآن و روایات بنای کعبه را تبیین نموده‌اند و یا در خصوص تاریخ کعبه و مسجدالحرام و آداب حج نگاشته شده‌اند و یا صرفاً به‌طور مجزا به معرفی سفرنامه‌ها پرداخته‌اند. لذا در اینجا پژوهش‌هایی که حاوی متغیرهای (بنای کعبه، مسجدالحرام و جهانگردان مسلمان) در دوره مذکور و ذیل یک پژوهش باشد، جهت معرفی انتخاب شدند که انگشت‌شمار هستند. از این میان می‌توان به مقاله محققانه «معماری خانه کعبه و مسجدالحرام به روایت حکیم ناصرخسرو قبادیانی» نوشته عقیل عابدی در سال ۱۳۷۴ که معطوف به ذکر مراحل بازسازی

۱. مانند اخبار مکه ابوالولیدازرقی (م ۲۵۰ ق) و فاکهی مکی (حدوداً م ۲۷۹ ق) که به شهر مکه پرداخته‌اند و از معماری مسجدالحرام و کعبه نیز اطلاعاتی را ارائه نموده‌اند.

۲. بدر، *قراءة فی ادب‌الرحله*، ص ۱۲.

۳. سفرنامه ابن‌بطوطه غالباً در خصوص مسایل اجتماعی سفر حج و سفرنامه عبدی به کعبه و مسجدالحرام نپرداخته است. *لطائف الأذکار* تألیف ابن‌مازہ (م ۵۶۶ ق) نیز بیشتر مناسک‌نامه است.

۴. رضایی، «درآمدی بر سفرنامه‌های مسلمانان در عصر عباسی»، *نیم‌سال‌نامه تاریخ نو*، ش ۴، ص ۳۴.

۵. اطلاعاتی که هروی در کتاب خود ثبت کرده مبتنی بر مشاهدات و خاطراتی از مکه است که مدت‌ها پس از سفر خود نگاشته است. بنابراین خالی از بی‌دقتی ناشی از فراموشی در گذر زمان نیست. در یکی از سفرهایش نیز کتاب‌هایش غرق شد و آب دریا متن بخش باقیمانده را نیز محو کرد. (هروی، *الاشارات الی معرفة الزیارات*، ص ۹۳؛ خامه یار، «حرمین شریفین در کتاب الاشارات»، *فصلنامه میقات*، ص ۱۶۳)

کعبه از ابتدا تا ۴۲۴ ق و فضای کالبدی مسجدالحرام است، اشاره نمود؛ اما این مقاله فقط با تکیه بر دیدگاه یک سفرنامه‌نویس تنظیم شده و از جامعیت لازم برخوردار نیست. یا پایان‌نامه «مکه کماجئت فی کتاب الرحلة المسلمین منذ القرون السادس الهجري حتى نهاية القرن التاسع» به نگارش عبدالحمید شریف در سال ۱۴۰۱ که توصیف شهر مکه محور اصلی آن است و تنها به صورت گذرا به بررسی کعبه و مسجدالحرام نیز می‌پردازد، اما چون با تکیه بر سفرنامه‌ها به تحریر درآمده، مورد توجه قرار گرفت. *دانشنامه حج و حرمین* در سال ۱۳۹۲ نیز موضوعات متنوع را با محوریت مذکور بررسی می‌کند، اما باتوجه به اینکه مقاله حاضر در خصوص کالبد فیزیکی کعبه و مسجدالحرام است، تنها اطلاعات جلد سوم این دانشنامه در خصوص باب‌ها که گاهی به ارجاع از سفرنامه‌ها بود، مورد بهره‌برداری نویسنده قرار گرفت. همچنین کتاب «بن‌جبر فی الحرمین الشریفین»، به تألیف الشیخ عبدالعزیز الرفاعی که در «کتابنامه حج» به تألیف محمدحسن بکایی معرفی شده بود، در این باره است که متأسفانه علی‌رغم تلاش‌های فراوان، نگارنده به متن آن دست نیافت.

پس از بررسی منابع و تحقیقات جدید، این نتیجه حاصل شد که توسعه اصلی مسجدالحرام و کعبه، تا نیمه دوم قرن دوم هجری یعنی تا دوران مهدی عباسی بوده و در این زمینه اطلاعات خوبی در دست است، لذا سؤال پژوهش حاضر بر این نکته قرار گرفت که از قرن ۳ - ۸ ق در مسجدالحرام و کعبه چه تغییرات کمی و کیفی ایجاد گردیده است؟ و جهانگردان مسلمان بر اساس مشاهدات، کدام موارد را ذکر نموده‌اند؟ اگر تغییراتی در این بناها ایجاد شده، در کدام قسمت‌ها بوده و کدام متغیرها دخیل بوده‌اند؟

با توجه به اینکه در بررسی تطبیقی، امکان تفسیر یافته‌ها و تغییرات احتمالی قابل ارائه است، روش کار بدین صورت بود که پژوهشگر پس از استخراج مطالب از منابع، آنها را به ترتیب زمانی، مرتب و تطبیق نمود و با توجه به فاصله زمانی جهانگردان، سعی نمود حداقل یک موضوع واحد را که در دو یا سه منبع ذکر شده، توصیف و مطابقت دهد. ضرورت کار جمع‌بندی مشاهدات و تسهیل راه برای پژوهشگران حوزه معماری اسلامی و مورخان، جهت شناخت بنا و معرفی ابعاد مهمترین مکان عبادی مسلمین است.

الف) مسجدالحرام

مسجدالحرام مهمترین و مقدس‌ترین مسجد در جهان اسلام است. کعبه در میان صحن آن قرار دارد. جهت همه مساجد و اقامه نماز از همه جوانب به سمت کعبه است. مستوفی می‌گوید: «در جامع‌های بلاد بر میان صحن عمارتی سازند جهت مناسبت با مسجد حرام و کعبه باشد»^۱

توسعه اصلی آن در دوران خلفای راشدین تا نیمه دوم قرن دوم ق بوده است و از سال ۱۷ تا ۳۵ ق در حرم مکه تغییرات وسیعی داده شد.^۲ در دوره امویان، ولید بن عبدالملک (حک: ۸۶ - ۹۶ ق) بر مساحت مسجدالحرام افزود و آن را بازسازی کرد.^۳ در دوران عباسی، خلیفه منصور (حک: ۱۳۷ - ۱۵۸ ق) در ۱۳۷ ق وسعت مسجد را دو برابر کرد و مهدی عباسی (۱۲۶ - ۱۶۹ ق) آخرین کسی بود که به میزان قابل توجهی بر وسعت مسجد افزود و مناره‌هایی در رکن غربی احداث کرد و تزئینات روی دیوارها و ستون‌ها را بیشتر نمود و درهای متعددی را در اطراف مسجد گشود.^۴ این دو خلیفه به‌عنوان بانیان گسترش مسجدالحرام بودند و این توسعه، بیشتر به دست یقطین بن موسی و ابراهیم بن صالح به‌عنوان کارگزاران گسترش انجام می‌شد.^۵

۱. ابعاد مسجدالحرام در آثار جهانگردان

توصیف کیفی و ثبت کمی فضاهای مسجدالحرام، از ابعاد مختلف مورد توجه جهانگردان قرن ۳ - ۸ ق واقع شده و از

۱. مستوفی، *نزهة القلوب*، ص ۴۰.

۲. ابن اثیر، *الکامل فی التاریخ*، ج ۱۰، ص ۳۶۸.

۳. ابن‌ظهیر، *الجامع اللطیف فی فضل مکه و أهلها و بناء البیت الشریف*، ص ۱۷۸ - ۱۷۷.

۴. یعقوبی، *البلدان*، ص ۹۵؛ ابن‌جبر، *سفرنامه*، ص ۱۴۷.

۵. ازرقی، *اخیار مکه و ما جاء فیها من الآثار*، ج ۲، ص ۸۸.

مقیاس‌های مرسوم میان اقوام و مناطق مختلف اعم از ایران، مغرب و خوارزم ... از وجب، قدم، گز، ارش، ذراع و جریب^۱ برای اندازه‌گیری استفاده شده است و در این اندازه‌گیری‌ها مساحت درون و بیرون، محدوده طوافگاه و طول و عرض بناهای داخل حرم مورد توجه قرار گرفته و تفاوت‌ها ناشی از اختلاف در مقیاس‌ها، نحوه اندازه‌گیری و یا تغییر در مساحت مسجد در طی زمان بوده است.

این خرداذبه (م ۲۸۰ ق) و یعقوبی (م ۲۸۴ ق) در قرن سوم در خصوص ابعاد مسجدالحرام گزارش می‌دهند. با توجه به اینکه دوره یعقوبی حدوداً منطبق با دوران معتضد عباسی (۲۷۹ - ۲۸۹ ق) است، محدوده مسجد در سمت مغرب با ساخت استراحتگاه حجاج، افزایش یافت.^۲ بنابراین ابعاد مسجد نسبت به دوران مهدی عباسی - که بیشترین گسترش را داشت - وسیع‌تر شد. مقدسی در قرن چهارم بر اساس مشاهدات خود وسعت مسجدالحرام را به پهنای دره^۳ مکه - که دوسوم شهر را فرا گرفته - می‌داند. در زمان وی، طوافگاه با شن، و باقی مسجد با سنگریزه فرش شده بود.^۴

در حدود یک قرن بعد، ناصر خسرو (م ۴۸۱ ق) نیز طبق مشاهدات خود، ابعاد مسجدالحرام را به‌طور دقیق و مفصل گزارش می‌دهد. وی طول مسجد را از شرق به غرب، عرضش را از شمال به جنوب، قسمت طولانی‌تر آن را از باب ابراهیم علیه السلام تا باب بنی‌هاشم، کنج دیوارهای مسجد را غیرقائم و رکن‌ها را به شکل مدور توصیف می‌کند.^۵ گفتنی است که در فاصله زمانی یعقوبی تا ناصر خسرو، برای بازسازی و نوسازی مسجد و از جمله تجدید نهایی مطاف آن، اقداماتی صورت گرفت.^۶ اما این تغییرات در مساحت مسجدالحرام تأثیرگذار نبود، زیرا مقایسه گزارش‌ها تنها ده متر افزایش در طول را نشان می‌دهد که اختلاف معمول در ملاک‌های اندازه‌گیری بوده است.

این جیب (م ۶۱۴ ق) تنها به توصیف پهنای طوافگاه و فاصله آن با دیوار کعبه می‌پردازد:

عرصه طوافگاه با سنگ صافی فرش شده ... و پهنای آن از کنار دیوار کعبه نُه قدم است. مگر در جهتی که مقابل مقام [ابراهیم] قرار دارد، چون در آن قسمت، سنگ‌فرش تا مقام ادامه یافته، آن را دور می‌زند.^۷

بنابراین گزارش، طوافگاه نسبت به قرن چهارم، بازسازی و به‌طور کامل سنگ‌فرش شده بود.

اما مستوفی (م ۷۵۰ ق) نه تنها به اندازه طوافگاه می‌پردازد بلکه محیط مسجد را هم با مقیاس گز اندازه‌گیری می‌کند.^۸ لازم بذکر است که در حد فاصل دوران ابن جیب و مستوفی، مستنصر بالله عباسی (حکومت: ۶۴۰ - ۶۴۳ ق) برای گسترش مسجدالحرام تلاش نمود که در گزارش مستوفی مشهود است.

تغییرات مساحت	ابعاد به واحد متریک				ابعاد ذکر شده در منابع				سیاح
	مساحت	عرض	طول	متریک	مساحت (س) محیط (م)	عرض	طول	واحد	
-	۳۷۱۵۱/۸	۱۶۷.۲	۲۲۲.۲	۰.۵۵	۱۲۰/۰۰۰ س	۳۰۴	۴۲۰	ذراع	یعقوبی
-	۳۵۲۵۶/۴	۱۷۳.۲۵	۲۰۳.۵	۰.۵۵	-	۳۱۵	۳۷۰	ذراع	ابن خرداذبه
-	۳۵۲۵۶/۴	۱۷۳.۲۵	۲۰۳.۵	۰.۵۵	-	۳۱۵	۳۷۰	ارش	حدود العالم
-	۳۵۲۵۶/۴	۱۷۳.۲۵	۲۰۳.۵	۰.۵۵	-	۳۱۵	۳۷۰	ذراع	مقدسی

۱. یک ارش یا ذراع در منابع مختلف، بین ۵۲ الی ۵۵ سانتی‌متر است. یک گز، بین ۱۰۴ تا ۱۱۰ سانتی‌متر و در مواردی هم معادل ارش گرفته شده است. در این مقاله مستوفی و ناصر خسرو از گز استفاده کرده‌اند و نگارنده آن را معادل ۵۵ سانتی‌متر حساب کرده است. یک وجب ۲۲.۵ سانتی‌متر، یک قدم در حدود یک متر و یک جریب در حدود ۱۶۰۰ متر مربع می‌باشد. (طباطبایی، «ذراع»، *دانشنامه جهان اسلام*، ج ۱۸، ص ۷۹۴؛ عابدی، «معماری خانه کعبه و مسجدالحرام به روایت سفرنامه حکیم خسرو قبادیانی»، *مجموعه مقالات کنگره معماری*، ص ۲۵ - ۲۳)

۲. ابن خرداذبه، *المسالك و الممالک*، ص ۲۱۱؛ یعقوبی، *البلدان*، ص ۹۵.

۳. ابن دره میان کوه‌های ابوقیسیس و اجیاد واقع شده است. (قاضی عسگر، «موقعیت جغرافیایی مکه و مسجدالحرام»، *فصلنامه میقات*، ص ۱۲۹)

۴. مقدسی، *احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم*، ص ۱۰۵ - ۱۰۴.

۵. ناصر خسرو، *سفرنامه*، ص ۹۶.

۶. در دوران معتضد (۲۸۹ ق) و مقتدر عباسی (۳۲۰ ق) به مسجدالحرام افزوده شد. (یعقوبی، *البلدان*، ص ۹۴)

۷. ابن جیب، *سفرنامه*، ص ۲۳.

۸. مستوفی، *نزهة القلوب*، ص ۴۴.

تغییرات مساحت	ابعاد به واحد متریک				ابعاد ذکر شده در منابع				سیاح
	مساحت	عرض	طول	متریک	مساحت (س) محیط (م)	عرض	طول	واحد	
↑ ۵٪	۳۶۹۳۸-۹	۱۵۸/۴	۲۳۲.۱	۰.۵۵	-	۲۸۸	۴۰۶	ارش	ناصر خسرو
↓ ۱۰٪	۳۸۸۰۷/۱	۱۶۷/۲	۲۲۳.۳	۰.۵۵	-	۳۰۴	۴۲۲	ارش	(با ضخامت دیوار)
-	به فاصله طوافگاه تا دیوار کعبه با مقیاس قدم اشاره می‌کند								ابن جبیر
↓ ۴/۵٪	۳۵۲۵۶/۴	۱۷۳.۲۵	۲۰۳.۵	۰.۵۵	-	۳۱۵	۳۷۰	گز	مستوفی
↑ ۲۰٪	۴۶۹۰۶/۹	۲۰۰.۲	۲۳۴.۳	۰.۵۵	۱۵۸۰ گز - م	۳۶۴	۴۲۶	گز	(با ضخامت دیوار)
↑ ۵/۵٪	۳۸۹۹۱/۱	۱۶۷.۲	۲۳۳.۲	۰.۵۵	۳۶ جریب - س	۳۰۴	۴۲۴	ارش	حافظ ابرو

جدول شماره ۱: تطبیق گزارش جهانگردان بر اساس واحد متریک و مقایسه آن با گزارش قبلی

با مقایسه گزارش سیاحان و فرض افزایش مساحت مسجدالحرام در طی زمان، می‌توان سه احتمال را مطرح کرد: اولاً؛ در این جدول، مشاهدات یعقوبی مبنای مقایسه قرار گرفته است. اندازه مسجدالحرام در گزارش ابن‌خرداذبه، حدودالعالم و مقدسی، کمتر از یعقوبی است. بنابراین احتمال دارد که این اختلاف، ناشی از تفاوت در واحد اندازه‌گیری باشد و یا فقط ابعاد داخلی مسجد ذکر شده باشد، زیرا کاهش مساحت آن تقریباً غیرمحتمل است و گزارش دقیق ناصر خسرو در قرن ۵ قمری که افزایش مساحت را نشان می‌دهد، این احتمال را تقویت می‌کند.

ثانیاً؛ در گزارش مستوفی، اندازه‌های طول و عرض طوافگاه تصریح شده که با ابعاد گزارش شده توسط ابن‌خرداذبه، حدودالعالم و مقدسی برای مسجدالحرام یکسان است و اختلاف در اندازه‌گیری، به این سبب است که تنها اندازه‌های طوافگاه در گزارش‌های قبلی، گزارش شده است.

ثالثاً؛ مستوفی محیط مسجدالحرام را ۱۵۸۰ گز بیان کرده که در واحد متریک، عدد ۴۶، ۹۰۶.۹ به‌عنوان مساحت بدست می‌آید که افزایش مساحت مسجدالحرام نسبت به گزارش ناصر خسرو - با اینکه وی دیوارها (۸ گز) را هم اندازه‌گیری نموده بود - ثابت می‌شود.

۲. رواق‌ها و ستون‌ها

توصیف رواق‌ها^۱ و ستون‌های مسجدالحرام، در آثار جهانگردان، به‌سختی قابل تفکیک است. اکثر آنان سه ردیف رواق در صحن مسجد را تأیید می‌کنند که این رواق‌ها بر ستون‌هایی برافراشته شده بودند. تفاوت در تعداد ستون‌ها یکی از مواردی است که در این بخش مورد بررسی قرار گرفته است. یعقوبی (م ۲۸۴ ق) و ابن‌رسته (م ۲۹۰ ق) در قرن سوم، مسجدالحرام را دارای ۴۸۴ ستون رخام^۲ و ارتفاع هر ستون را ده ذراع با ۴۹۸ طاق توصیف می‌کنند.^۳

مقدسی ستون‌هایی از رخام را توصیف می‌کند که خلیفه مهدی عباسی از اسکندریه و از راه دریا به بندر جده آورده بود و این ستون‌ها در سه ردیف رواق و در دور مسجد به‌کار رفته بودند و دیواره‌های این رواق‌ها با فسفیسا^۴ پوشیده شده بود. این امرحاکمی از پیشرفت چشمگیر عناصر زیبایی‌شناسی معماری اسلامی در قرن چهارم ق بوده است.

ناصر خسرو نیز در قرن پنجم، سه رواق مسقف و در چهار جهت مسجد را با ۱۸۴ ستون رخام گزارش می‌کند که احتمالاً میان هر چهار ستون، چهار سوق و یک گنبد ساخته شده بود.^۵ وی به ابعاد و کیفیت ستون‌ها نمی‌پردازد. تنها در دارالندوه، سمت شمال مسجد، یک ستون را که جنس آن از سنگ مرمر سرخ رنگ و با ارزش بود، با جزئیات به تصویر می‌کشد.^۶

۱. رواق فضای سرپوشیده ستوندار است. دهانه این فضاها، رو به صحن مسجد است. (سلطان‌زاده، فضاهای ورودی در معماری سنتی ایران، ص ۵۶)

۲. نوعی از سنگ است و زرد، سفید و سرخ می‌باشد به‌غایت صلب و سخت است. (خلف تبریزی، برهان قاطع، ذیل واژه، ص ۴۲۱)

۳. یعقوبی، البلدان، ص ۹۵؛ ابن‌رسته، اطلاق‌النفسیه، ص ۳۶.

۴. فسفیسا از به‌کاربردن اجزای زینتی کوچک و متعدد از جنس سنگ، شیشه یا سفال و چیدن آن در کنار یکدیگر بر روی گچ و... به‌وجود می‌آید. (ماهرمحمد، الفن الاسلامیه، ص ۲۱۵)

۵. مقدسی، احسن‌التقاسیم فی معرفة الاقالیم، ص ۱۰۶.

۶. عابدی، «معماری خانه کعبه و مسجدالحرام به روایت سفرنامه حکیم خسرو قبادیانی»، مجموعه مقالات کنگره معماری، ص ۳۱.

۷. ناصر خسرو، سفرنامه، ص ۹۶.

اما ابن جبیر (م ۶۱۴ ق) توضیح کامل‌تری از وضعیت قرارگیری ستون‌ها و رواق‌های اطراف مسجدالحرام ارائه می‌دهد. وی سه رواق مسجد را مفروش به سنگ مرمر، به طول چهارصد و به عرض سیصد ذراع گزارش می‌کند و مساحت کل رواق‌ها را که میان آنها فضای بزرگی وجود داشت، به تحقیق ۴۸ مرجع^۱ می‌داند.^۲ همچنین از ستون‌ها و فاصله آنها و سکوهایی که نسخه‌نویسان و قاریان قرآن و بعضی از دوزندگان در آنها می‌نشستند، اطلاعاتی در اختیار خوانندگان قرار می‌دهد. وی تعداد ستون‌های مرمرین را ۴۷۱ ستون شمارش می‌کند و از ستون‌های گچین دارالندوه که بعداً به حرم افزوده شدند و داخل رواق از غرب تا جنوب مسجدالحرام را گرفتند، سخن می‌گوید:

من به خط ابو جعفر بن علی فنکی قرطبی، فقیه محدث دیدم که تعداد ستون‌های آن چهارصد و هشتاد ستون است، زیرا من خود ستون‌های بیرون از باب‌الصفاء را نشمردم.^۳

مستوفی (م ۷۵۰ ق) نیز با کمی اختلاف تقریباً در این تعداد با ابن جبیر هم‌رای است و مانند یعقوبی به ارتفاع ستون‌ها نیز دقت کرده و آن را ده ذراع - معادل ۵/۵۰ متر - می‌داند.^۴

به نظر می‌رسد، تفاوت در تعداد ستون‌ها در گزارش ناصر خسرو نسبت به سیاحان قبل و بعد، به دلیل عدم شمارش ستون‌های گچی و چوبی بوده یا تجدید عمارت مسجد و تغییر در رقم ستون‌ها،^۵ و گذشت زمان - به فاصله حداقل دو قرن تا زمان ابن جبیر و چهار قرن تا زمان مستوفی - که موجب شده در این مدت تعداد ستون‌های مسجد افزایش یافته یا فاصله آنها کمتر شده است.

۳. درب‌های مسجدالحرام

در یک مقایسه تطبیقی می‌توان گفت که در آثار جهانگردان، تفاوت‌هایی جزئی در شمارش و نام‌گذاری درب‌ها وجود دارد. به‌عنوان مثال یعقوبی و مقدسی به ترتیب در قرن سوم و چهارم قمری تعداد درب‌ها را بیست‌وسه و نوزده گزارش کرده‌اند.^۶ طبق گزارش ناصر خسرو (م ۴۸۱ ق) مسجدالحرام دارای هجده درب بود که همه ورودی بودند نه درب‌هایی که باز و بسته شوند و تنها سقف و ستون داشتند.^۷ هرچند ناصر خسرو قائل به وجود هجده درب است، ولی به گفته عابدی: «در دل کلام وی به وجود نوزده درب می‌توان پی‌برد».^۸

علی بن ابوبکر هروی (م ۶۱۱ ق) در «لاشارات الی معرفة الزیارات» تعداد درهای اصلی حرم را بیست‌ودو و با احتساب درب‌های کوچک، سی‌وشش درب ذکر می‌کند، اما نامی از این درب‌ها نبرده و جهت آنها را مشخص نمی‌کند.^۹ ابن جبیر (م ۶۱۴ ق) درب‌های مسجدالحرام را نوزده عدد شمارش کرده که بیشترشان دو لنگه بودند، این امر از نصب درب بر ورودی‌های مذکور در قرن هفتم قمری حکایت دارد. نام‌گذاری درب‌ها که ابن جبیر آورده، در برخی موارد با روایت ناصر خسرو متفاوت است که شاید حاکی از تکثر مذاهب و رواج فرقه‌گرایی در جهان اسلام و تغییرات فرهنگی مذهبی در قرن هفتم بوده است. مانند باب‌الرباط که مخصوص ورود صوفیان بود.^{۱۰}

۱. مرجع، واحد مساحت در بلاد مغرب برابر ۵۰ ذراع مربع که از ضرب ذراع طولی در خود حاصل می‌شود. (جر، فرهنگ لاروس، ذیل واژه)

۲. ابن جبیر، سفرنامه، ص ۱۲۷.

۳. همان، ص ۱۲۸ - ۱۲۷.

۴. مستوفی، نزهة القلوب، ص ۴۰.

۵. تخریب مسجد و بیت‌الله الحرام در اثر ربودن حجرالاسود و قتل عام حجاج به‌دست قرامطه ۳۱۹ - ۲۵۵ ق بود. (عابدی، «معماری خانه کعبه و مسجد الحرام به روایت سفرنامه حکیم خسرو قبادیانی»، مجموعه مقالات کنگره معماری، ۲۷)

۶. یعقوبی نام سه درب را آورده است: باب‌النبی، باب علی، باب عباس. (یعقوبی، البلدان، ص ۹۶ و ۱۵۶؛ مقدسی، احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، ص ۱۰۶ و ۱۰۷)

۷. ناصر خسرو، سفرنامه، ص ۹۰.

۸. ناصر خسرو وقتی باب‌ها را معرفی می‌کند، یک باب را از قلم می‌اندازد و آن بابی است که آن را در وصف طول و عرض مسجد ذکر کرده بود. (عابدی، «معماری خانه کعبه و مسجد الحرام به روایت سفرنامه حکیم خسرو قبادیانی»، مجموعه مقالات کنگره معماری، ص ۴۱)

۹. هروی، الاشارات الی معرفة الزیارات، ص ۷۸.

۱۰. ابن جبیر، سفرنامه، ص ۱۴۴.

مستوفی در قرن هشتم از ۴ درب مسجدالحرام خبر می‌دهد، اما از دو درب نام می‌برد: «مسجدالحرام را ۴ درب است باب بنی شیبه بر طرف عراقی است و میان شمال و باب‌صفا بر طرف شرقی است»^۱. حافظ ابرو همانند ناصرخسرو همان ۱۸ درب را با اختلاف در نام درب‌ها ذکر می‌کند.^۲ بنابراین به‌جز مستوفی که به ۴ درب و یعقوبی و هروی که به ۲۳ درب اشاره دارد، سه جهانگرد دیگر به ۱۸ یا ۱۹ درب اشاره دارند. به‌نظر می‌رسد توسعه مسجد و انگیزه گسترش حرم توسط حاکمان - که خادمان حرم بودند - و فضای فرهنگی حاکم، موجب جابه‌جایی و بازسازی درب‌ها و نام‌گذاری‌های جدید شد. جدول زیر بر مبنای جهات اصلی تنظیم و تطبیق داده شده است.

جهت	ابن رسته	مقدسی	ناصرخسرو	ابن جبیر	مستوفی	ابن بطوطه	حافظ ابرو
شمال	عمر بن عاص	بنی جمح	باب الوسیط ^۳	السده ^۴		السده	الرهطیه
	باب العجله	باب العجله	باب العجله	باب الاصغیر		باب العجله	باب العجله
	قعیقان						
	حجیر بن ابی‌اهاب						
باب‌الندوه	باب‌الندوه	باب‌الندوه ^۵	باب‌الندوه		باب‌الندوه	باب‌الندوه	
بنی شیبه	بشارت	باب‌المشاوره	-		باب‌بنی‌عیدششمس	باب‌المشاوره	
تعداد درب	۶	۴	۴	۴		۴	۴
مشرق	شبهه بن عثمان	بنی شیبه	بنی شیبه	بنی شیبه		بنی شیبه	بنی شیبه
	دارالقواریر	در پیغمبر	باب‌النبی ^۶	باب‌عباس		باب‌النبی	باب‌النبی
	باب‌النبی	باب‌بنی‌هاشم	باب‌بنی‌هاشم	باب‌علی		-	باب‌بنی‌هاشم
	باب‌عباس	روغن‌کشان	باب‌النبی	باب‌النبی		-	باب‌علی
باب‌سوق‌اللیل	بزازان	باب‌علی ^۷	-		-	-	
تعداد درب	۵	۵	۵	۵		۵	۴
جنوب	بنی‌عائذ	دقاقان	باب‌الدقاقین	-		باب‌الرباط	باب‌الدقاقین
	بنی‌شعبان بن عبدالاسد	جیاد	باب‌الفسانین ^۸	باب‌الاصغیر / باب‌الرباط		باب‌الدقاقین	
		خانه وزیر					
		خرمافروشان	باب‌؟	-		جیاد‌الاصغیر	باب‌الغسالین
	زقاق‌الشطوی	باب‌الطوی	جیاد‌الاصغیر / الخلقیین				
	باب‌الصفاء	باب‌الصفاء	باب‌الصفاء ^۹	باب‌الصفاء	باب‌الصفاء	باب‌الصفاء	باب‌الصفاء

۱. مستوفی، *نزهة القلوب*، ص ۴۲.

۲. حافظ ابرو، *جغرافیا*، ص ۲۰۳.

۳. در حکومت مهدی عباسی (۱۶۹ - ۱۵۸) مرمت شد. (ابن‌رسته، *اعلاق‌النفسیه*، ص ۵۲)

۴. از قرن شش به بعد به این نام مشهور بود. (ابن‌جبیر، *سفرنامه*، ص ۷۳؛ ابن‌بطوطه، *رحله ابن بطوطه*، ج ۱، ص ۳۷۷)

۵. بین درهای قعیقان و دار شیبه بن عثمان ساخته شد. (ابن‌رسته، *اعلاق‌النفسیه*، ص ۵۳)

۶. از قرن ۵ برای این در، دو ورودی گزارش شده و به زمان ایجاد تغییرات در آن اشاره نشده است. (ناصرخسرو، *سفرنامه*، ص ۱۲۶؛ ابن‌جبیر، *سفرنامه*، ص ۷۳؛ ابن‌بطوطه، *رحله ابن بطوطه*، ج ۱، ص ۳۷۷)

۷. نخستین بار در قرن پنجم به نام این باب و ورود علی بن ابی‌طالب از آن برای نماز اشاره شده است. (ناصر خسرو، *سفرنامه*، ص ۱۲۷)

۸. باب بنی شعبان بن عبدالله.

۹. بعد از توسعه مسجد از جنوب برای نخستین بار برای آن در ساختند که بزرگترین در مسجد با چندین ورودی بود. (ابن‌جبیر، *سفرنامه*، ص ۷۶؛ ابن‌بطوطه، *رحله ابن بطوطه*، ج ۱، ص ۳۷۶)

جهت	ابن رسته	مقدسی	ناصر خسرو	ابن جبیر	مستوفی	ابن بطوطه	حافظ ابرو	
	بنی عدی	بنی مخزوم	باب التمارین	اجیاد کبیر		اجیاد کبیر	الشطوی	
	بنی مخزوم					اجیاد کبیر	النصالین	
	باب امهانی		باب المعامل ^۱	باب امهانی		باب الاکبر	المنازین	
	بنی سهم						المغاسل	
تعداد درب	۷	۷	۷	۷	۱	۷	۷	
مغرب	اجیاد الکبیر	حزوره	باب العروه	منسوب به حزوره		حزوره	باب العروه	
	خزامیه	باب ابراهیم	باب ابراهیم	باب ابراهیم	باب ابراهیم	باب ابراهیم	باب ابراهیم	
	خیاطین بنی جمح بنی سهم	بنی سهم	-	باب حزوره		باب العمره	باب العمره ^۲	
تعداد درب	۵	۳	۳	۳	۱	۳	۳	
مجموع	۲۳	۱۹	۱۹	۱۹	۴	۱۹	۱۸	

جدول شماره ۲: درب‌های مسجدالحرام

گزارش تطبیق درب‌ها بر اساس چهار جهت اصلی تدوین شده تا بتوان ضمن مقایسه تغییر نام درب‌ها، بعضی تغییرات را در جهات اصلی نیز مشخص کرد. درب‌های اصلی مانند ابراهیم، الندوه، صفا و بنی شیبیه تغییر نکرده‌اند، اما اسامی درب‌های دیگر در طول زمان تغییر کرده است. همچنین تعداد درب‌ها توسط ناصر خسرو، ابن جبیر، مقدسی، حافظ ابرو در سمت مغرب و جنوب ثابت بوده، ولی در مشرق و شمال، براساس جدول، توسعه و تغییراتی داشته است.

۴. مقام ابراهیم

مقام ابراهیم علیه السلام سنگی است که حضرت ابراهیم علیه السلام هنگام بنای کعبه بر آن می‌ایستاد تا بر ساخت کعبه مسلط باشد. این سنگ در شرق کعبه نگهداری می‌شد و بنا به نقل ابن‌رسته (م ۳۹۰ ق) مربع شکل بود و دو جای پای مورب با دو انگشت فاصله از یکدیگر بر روی آن نقش بسته بود. جای اصلی مقام بین درب کعبه در ضلع شرقی و رکن حجرالاسود در گوشه شمال شرقی قرار داشت، اما بعدها به دستور خلیفه دوم، از خوف نابود شدن در زیر پای زائران و احتمال جاری شدن سیل جابه‌جا شد.^۳ جهانگردان مسلمان، متفق‌القول هستند که مقام، داخل کعبه نگهداری می‌شد و هنگام حج و برای زیارت حاجیان در جای مخصوص قرار می‌گرفت. مقام ابراهیم ابتدا در شرق کعبه و بدون حفاظ بود و بعدها در حفاظ قرار گرفت و فقط در ایام حج بیرون آورده می‌شد.

مقدسی در حدود سال ۳۷۵ ق محل قرار گرفتن آن را شرق کعبه گزارش نموده که هنگام نماز، درب مقام باز می‌شد و پیش‌نماز پس از اقامه نماز آن را زیارت می‌کرد و جای پای ابراهیم علیه السلام در آن وارونه دیده می‌شد.^۴ پس در دوره مقدسی مقام ابراهیم علیه السلام داخل محفظه بوده و به‌عنوان نمادی مقدس زیارت می‌شد.

ناصر خسرو (م ۴۸۱ ق) محفظه‌ای را که مقام در آن قرار داشت، شرح می‌دهد که این نشان در سنگ دیگری جاسازی و از چهار طرف با غلافی از جنس چوب بسیار مرغوب بسته شده و با زنجیری بزرگ، قفل شده بود. در بین سیاحان، تنها ناصر خسرو به فاصله مقام و کعبه که سی ارش (۱۶/۵۰ متر) بود، اشاره دارد.^۵

۱. نام دیگر آن باب امهانی است. (جمعی از نویسندگان، دانشنامه جمع و حرمین شریفین، ج ۳، ص ۶۳۰)

۲. به‌علت قراردادن این باب در برابر محله بنی‌سهم از تیره‌های قریش به باب بنی‌سهم مشهور بود. (ابن‌رسته، اطلاق‌النفسه، ص ۵۱)

۳. ابن‌رسته، اطلاق‌النفسه، ص ۳۴ - ۳۳؛ کردی مکی، کعبه و مسجدالحرام درگذر زمان، ص ۱۷۴.

۴. مقدسی، احسن‌التقاسیم فی معرفة الاقالیم، ص ۱۰۶.

۵. ناصر خسرو، سفرنامه، ص ۹۵.

ابن جبیر (م ۶۱۴ ق) سنگ مقام را پوشیده از طلا و ارتفاع آن را سه وجب و پهنای آن را دو وجب گزارش می‌کند که سطح بالای سنگ از سطح پایین آن بزرگتر بود. وی از تعویض پوشش گنبدگونه چوبین روی سنگ مقام با پوشش آهنین می‌گوید که برای رسیدن عجمیان در ایام حج آماده می‌شد.^۱

حافظ ابرو در قرن نهم قمری محل مقام را در همان شرق کعبه و شکل غلاف را مربع و ارتفاع آن را به اندازه قد یک مرد می‌داند. وی نیز مانند ابن جبیر محافظت کردن از سنگ را در برابر زائران غیرعرب که با اشتیاق به سمت زیارت سنگ مقام هجوم می‌آوردند، لازم می‌داند.^۲

۵. حجر اسماعیل علیه السلام

حجر اسماعیل علیه السلام، فضایی میان کعبه و دیواری نیم‌دایره از رکن عراقی تا رکن شامی خانه خداست.^۳ مقدسی در قرن چهارم ق حجر اسماعیل را که اسماعیل علیه السلام و مادرش هاجر در آن مدفون‌اند،^۴ مانند درگاهی به سمت شمال می‌داند که آب ناودان سقف کعبه به آن می‌ریزد و دیوار و زمینش با سنگ رخام فرش شده که بلندی آن تا کمر می‌رسد و آن را «حطیم»^۵ می‌نامند.^۶ ناصرخسرو (م ۴۸۱ ق) معماری حجر و نقش‌های روی آن را توضیح می‌دهد. از نظر وی هر دو سر دیوار حجر، قوس‌دار و نیم‌دایره و نزدیک به رکن‌های کعبه است. محل احداث این دیوار از کعبه ۱۵ گز (هشت و نیم متر) فاصله داشت و آن را با رخام‌های رنگارنگ و با نقاشی مرخم کرده بودند.^۷ پس در دوران ناصرخسرو نقش‌هایی در دیوارهای حجر وجود داشت و نسبت به گذشته تفاوت معناداری را می‌رساند.

ابن جبیر (م ۶۱۴ ق) آن نقش و نگارها را کامل‌تر بیان می‌کند و از اندازه، فاصله حجر تا کعبه، نکات معماری و زیبایی‌شناسی و سازنده آن و اینکه چه کسی در حجر مدفون است، گزارش مبسوطی ارائه می‌دهد که حاکی از توجه وی در قرن هفتم قمری به این نشانه‌گذاری‌ها است:

اولاً: وی حجر را از همان نقطه‌ای که سنگ‌چین نشده - و قریش این بخش از محوطه کعبه را به حال خود رها کرده - اندازه‌گیری و به‌طور دقیق اندازه آن را شش ذراع (۳.۳۰ متر) گزارش می‌کند.

ثانیاً: فاصله دیوار کعبه - که زیر ناودان است - با دیواره حجر - که مقابل آن قرار گرفته و به خط مستقیم صحن مذکور را به دو نیمه می‌کند - چهل وجب (۱۰ متر) و فاصله (درون حجر) از مدخلی به مدخل دیگر را شانزده قدم برابر چهل و هشت وجب (۱۱.۲۵ متر) می‌داند.

ثالثاً: ارتفاع دیواره این حجر مرمرین را پنج و نیم وجب (۱.۲۵ متر) و پهنای آن را چهار وجب (۱ متر) توصیف می‌کند.^۸ وی نکات زیبایی‌شناسی حجر را مفصل و با ادبیاتی فاخر به تصویر می‌کشد:

پیرامون حجر، دیواره‌ای تمام از مرمر سفید و سیاه است که به خوبی به هم چسبانده شده ... او شکل شجره دارد و شاخه‌های برنجی آب طلایی دیواره حجر به صورت شطرنجی در یکدیگر داخل شده و محراب‌گونه می‌نماید که چون آفتاب بر آن افتد بازتابش به زیبایی می‌درخشد ...^۹

توصیف دقیق ابن جبیر به همراه ذکر جزئیات، تصویر دقیقی از تغییرات را ارائه می‌کند. ساخت‌وساز حجر اسماعیل بیشتر متعلق به نیمه دوم قرن ششم قمری است که ابن جبیر دقیقاً از وجود هنر آرابسک^{۱۰} در دیواره حجر اسماعیل سخن می‌گوید.

۱. ابن جبیر، سفرنامه، ص ۱۲۱.

۲. حافظ ابرو، جغرافیا، ص ۲۰۶.

۳. پورامینی، حجر اسماعیل در نگاه قرآن، ص ۱۱۶.

۴. حجر اسماعیل مدفن بسیاری از پیامبران است که به حج آمدند و در آنجا دفن شدند. (ازرقی، اخبار مکه و ما جاء فیها من الآثار، ج ۲، ص ۶۶)

۵. فاصله میان حجرالاسود و مقام ابراهیم و زمزم و حجر اسماعیل است. (مقدسی، احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، ص ۱۶۵)

۶. همان، ص ۱۰۵.

۷. ناصرخسرو، سفرنامه، ص ۲۵.

۸. ابن جبیر، سفرنامه، ص ۱۲۳.

۹. همان، ص ۱۲۲.

۱۰. شیوه‌ایی در تزئین با شکل‌های دقیق هندسی و نقش‌های گیاهی ساده و دور از طبیعت با پیچ و خم‌های متقاطع و موزون. (بورکهارت، هنر اسلامی

زیان و بیان، ص ۶۸)

با توجه به بررسی‌های صورت گرفته به نظر می‌رسد که ابعاد و اندازه حجر اسماعیل در طول تاریخ ثابت بوده و فقط ارتفاع و ضخامت دیوار، تغییرات جزئی داشته است. عمده تغییرات، مربوط به تزئینات حجر می‌باشد، اما درخصوص مقایسه فاصله دیوار حجر از دیوار کعبه که توسط ناصر خسرو و ابن جبیر با دو واحد متفاوت و اختلاف ۶.۵ متری ذکر شده، این اختلاف می‌تواند ناشی از تفاوت در واحد و محل اندازه‌گیری - از داخل یا بیرون دیوار حجر - باشد.

ب) کعبه

۱. ابعاد و ارکان کعبه

کعبه، مهم‌ترین و مقدس‌ترین مکان در مسجدالحرام است که غالباً همه جزئیات آن مورد توجه سیاحانی که به حج مشرف شده‌اند، واقع شده و در اهمیت آن همین بس که مردم به هنگام سختی و بلا، برای طلب گشایش از خداوند در کنار آن جمع می‌شدند.^۱ پس از آنکه کعبه به دست حضرت آدم علیه السلام بنا نهاده شد^۲، بارها قبل از ظهور اسلام تجدید بنا گردید.^۳ بلایای طبیعی و غیرطبیعی مانند طوفان، سیل، آتش‌سوزی، بازسازی، جابه‌جایی حجرالاسود و انتقال تولیت در طول تاریخ و تا سال ۴۴۲ ق کعبه را دچار تغییراتی نمود که موجب بازسازی کلی و جزئی در بام، درب و ستون‌های آن گردید.^۴ پس از اسلام نیز کعبه بارها توسط قبایل و اشخاص ذی‌نفوذی مانند بنی‌خزاعه، قریش، زبیریان (۶۴ ق) و حجاج بن یوسف (۷۴ ق) خلفای اموی (۱۳۲ - ۴۱) و عباسی (۶۵۶ - ۱۳۲) تجدید بنا شد^۵ تا اینکه ابن جبیر در قرن هفتم قمری از استحکام کعبه و مصالح به کاررفته در آن که مانند قلعه‌ای محکم در میان مسجدالحرام ایستاده، سخن می‌گوید.^۶

طول خانه کعبه از شمال به جنوب و عرض آن از مشرق به مغرب است. ازرقی (م ۲۵۰ ق) در قرن سوم، طول کعبه را ۲۵ و عرضش را ۲۱ ذراع گزارش نموده است.^۷ ابعاد کعبه همواره مورد توجه سفرنامه‌نویسان و سیاحان بوده و در روایت‌ها، تفاوت‌هایی جزئی قابل مشاهده است.

ش.ص	سایر توضیحات	مساحت درون کعبه	ابعاد بیرون کعبه					ابعاد بیرون کعبه با واحد قدیمی			واحد		سفرنامه‌نویس
			براساس واحد متریک					عرض	طول	ارتفاع	متریک	قدیم	
۲۶	-		تغییرات	مساحت	عرض	طول	ارتفاع						عرض
	عرض کعبه از یک طرف ۲۱ ذراع و از طرف دیگر ۲۲ ذراع گزارش شده که مبنای محاسبه ۲۱.۵ می‌باشد	-	مبنای مقایسه	۱۶۱.۶	۱۱۸	۱۳.۷	۱۴.۸	۲۱.۵	۲۵	۲۷	۰.۵۵	ذراع	ابن‌رسته
۱۲۲	دور حجر ۵۰ و طول طواف ۱۰۷ ذراع	-	٪ ۸ ↑	۱۷۵.۵	۱۳	۱۳.۵	۱۴.۸	۲۳.۵	۲۴.۵	۲۷	۰.۵۵	ذراع	خرداذبه
	عرض کعبه از یک طرف ۲۱ ذراع و از طرف دیگر ۲۲ ذراع گزارش شده که مبنای محاسبه ۲۱.۵ می‌باشد	-	=	۱۶۱.۶	۱۱۸	۱۳.۷	۱۵.۴	۲۱.۵	۲۵	۲۸	۰.۵۵	ذراع	یعقوبی

۱. ابن‌رسته، *اعلاق‌النقیسه*، ۳۹ و ۳۴.

۲. آل‌عمران (۳): ۹۶؛ ابن‌رسته، *اعلاق‌النقیسه*، ص ۳۶ - ۳۵.

۳. ازرقی، *اخبار مکه و ما جاء فیها من الآثار*، ص ۳۶؛ ابن‌رسته، *اعلاق‌النقیسه*، ص ۴۲، ۴۹ و ۳۶؛ مستوفی، *نزهة القلوب*، ص ۴۲؛ مسعودی، *مروج‌الذهب*، ج ۱، ص ۴۲۰ و ۴۱۲.

۴. عابدی، «معماری خانه کعبه و مسجدالحرام به روایت سفرنامه حکیم خسرو قبادیانی»، *مجموعه مقالات کنگره معماری*، ص ۲۰ - ۱۸.

۵. در طول تاریخ خلفای عباسی، حاکمان، تاجران و بزرگان، هر کدام به نوعی تلاش می‌کردند تا در ساخت‌وساز کعبه نقش داشته باشند، از جمله معتضد و مقتدی عباسی و گاه نیز در ستیزها و قحطی‌ها، زیورآلات و طلاجات آن را به غارت می‌بردند. (مستوفی، *نزهة القلوب*، ص ۴۳؛ دینوری، *الاخیار الطوال*، ص ۳۳، فاسی، *شفاء الغرام باخیار البلد الحرام*، ج ۱، ص ۱۵۲)

۶. ابن‌جبیر، *سفرنامه*، ص ۱۳۵.

۷. ازرقی، *اخبار مکه و ما جاء فیها من الآثار*، ص ۲۹۰ - ۲۸۹.

۱۶۵	گرد سنگ طواف ۵۰ و درازا ۱۵۰ ارش	-	٪ ۸ ↑	۱۷۵.۵	۱۳	۱۳.۵	۱۴.۸	۲۳.۵	۲۴.۵	۲۷	۰.۵۵	ارش	حدود العالم
۱۰۵ و ۱۰۶	دور حجر ۲۵ ذراع و دور طواف ۱۰۷ ذراع	-	٪ ۸ ↑	۱۷۵.۵	۱۳	۱۳.۵	۱۴.۸	۲۳	۲۴	۲۷	۰.۵۵	ذراع مقدسی	
۹۲	-	-	٪ ۱۰ ↓	۲.۱۴۵	۸.۸	۱۶.۵	-	۱۶	۳۰	-	۰.۵۵	ارش	ناصرخسرو
	از حجرالاسود ۲۹ ذراع و از طرف دیگر به سبب شب ناودان ۲۸ ذراع		٪ ۱۹ ↓	۱۳۰.۷	۱۰.۸	۱۲.۱	۱۵.۹	۴۸	۵۴	۲۹	۰.۵۵	ارش	ابن جبیر
۴۲ و ۴۳	ابعاد براساس بازسازی حجاج بن یوسف و مساحت بیرون ۵۷۵ گز می باشد	۴۴۴	٪ ۳ ↑	۱۶۶.۳	۱۲.۶	۱۳.۲	۱۴.۸	۲۳	۲۴	۲۷	۰.۵۵	گز	مستوفی
۲۰۶	-	-	٪ ۴۶ ↓	۱.۸۷	۸.۸	۹.۹	-	۱۶	۱۸	-	۰.۵۵	ارش	حافظ ابرو

جدول شماره ۳: ابعاد کعبه

بر اساس جدول فوق تنها مستوفی در اندازه‌گیری مساحت به طول و عرض بیرون و درون کعبه اشاره دقیق دارد، اما دیگر مساحت‌ها تنها مستخرج از طول و عرض بیرونی گزارش شده است. در ستون تغییرات، جهت فلش‌ها حاکی از کاهش یا افزایش مساحت کعبه است که این اختلاف‌ها اغلب جزئی است که می‌تواند ناشی از واحد اندازه‌گیری باشد، اما ابعاد اشاره شده توسط حافظ ابرو در قرن نهم قمری نزدیک نصف مساحت‌های قبل است! با توجه به اینکه حافظ ابرو در بسیاری از موارد از ناصرخسرو رونویسی کرده، احتمالاً در ضبط طول مرتکب اشتباه شده است. همچنین ابن جبیر و مستوفی از دو سمت با در نظر گرفتن سقف خانه کعبه، دو عدد متفاوت را برای ارتفاع ذکر کرده‌اند.

محل قرارگیری رکن‌های کعبه و نام‌گذاری آنها میان سیاحان این دوره تقریباً مشابه و با اندکی تفاوت بیان شده است. به‌عنوان مثال ناصرخسرو، ابن جبیر و حافظ ابرو هرکدام به ترتیب رکن عراقی را در جنوب شرق، رکن حجرالاسود را در شمال شرق و رکن مغربی جنوبی را رکن یمانی و رکن شمالی مغربی را رکن شامی نامیده‌اند.^۱ اما مستوفی در بیان ارکان کعبه، حجرالاسود را در رکن عراقی آورده است. وی می‌گوید:

حجرالاسود را در بیرون کعبه در رکن عراقی نشاند و آن رکن مایل شرقی و مقام ابراهیم و زمزم نزدیک اوست و رکنی که مایل شمالی‌ست رکن شامی گویند و رکنی که مایل غربی‌ست رکن حبشی گویند و آنکه جنوبی‌ست رکن یمانی گویند.^۲

بنابراین مستوفی در دو نکته با دیگر سیاحان تفاوت دارد: نکته اول آنکه وی رکن حجرالاسود را با رکن عراقی یکی دانسته است^۳ و دوم آنکه از رکن حبشی نام برده که در دیگر منابع ذکر نشده است.

۲ درون کعبه

آنچه در آثار سیاحان و سفرنامه‌ها از درون کعبه توصیف شده، عمدتاً مربوط به ستون‌ها، دیوارها، کف و سقف خانه است که به ترتیب بدان پرداخته می‌شود:

یک. ستون‌ها

ابن‌رسته در قرن سوم قمری از وجود سه ستون چوبین مدور در کعبه خبر می‌دهد که سقف کعبه بر آنها استوار شده است.^۴

۱. ناصرخسرو، سفرنامه، ص ۹۲؛ ابن جبیر، سفرنامه، ص ۱۱۹؛ حافظ ابرو، جغرافیا، ص ۲۰۸.

۲. مستوفی، نزهة القلوب، ص ۴۲.

۳. در بعضی منابع از رکن حجرالاسود به رکن عراقی نام برده شده است. (wikifeqh.ir)

۴. ابن‌رسته، اعلاقی‌التقیسه، ص ۲۵؛ قریش بر خانه کعبه سقف ساخت و احتمالاً ستون زد و ابن‌زبیر (م ۶۸ ق) سه ستون در یک ردیف در درون کعبه بنا نهاد و کعبه را با سرب گداخته مستحکم نمود. (کردی مکی، کعبه و مسجدالحرام در گذر زمان، ص ۵۵)

اما این ستون‌ها در عهد رسول‌الله ﷺ، ۵ سال قبل از مبعث - زمانی که قریش کعبه را عمارت کردند و آن را مسقف نمودند - چهار ستون بود.^۱
اگر سخن مستوفی صحیح باشد، پس تا قرن سوم، یک ستون کعبه در بازسازی آن حذف شده است.
ناصرخسرو می‌گوید:

و ستون‌ها که در خانه است و در زیر سقف زده‌اند همه چوبین است، چهارسو تراشیده از چوب ساج الا
یک ستون که مدور است.^۲

در گزارش ناصرخسرو، ستون‌ها چهار گوش‌اند و تنها یکی از آنها مدور است. عقیل عابدی از نحوه بیان ناصرخسرو چنین استنباط می‌کند که احتمالاً تعداد ستون‌ها در زمان ناصرخسرو افزایش یافته، زیرا از عبارت «همه ستون‌ها» استفاده شده که به نظر بیش از سه ستون است. ضمناً به نظر وی در شرحی که ناصرخسرو از نحوه نصب قندیل‌های خانه کعبه در میان ستون‌ها ارائه می‌دهد - که «اندر میان ستون‌ها سه قندیل آویخته است»^۳ - می‌توان دریافت که ستون‌ها در زمان وی در دو ردیف سه ستونی بوده و در بین هر دو ستون مقابل یکدیگر، یک قندیل در راستای طولی خانه کعبه آویخته بود.^۴ بنابراین از نظر عابدی، کعبه احتمالاً در دوره ناصرخسرو به لحاظ افزایش ستون‌ها و چهارگوشه شدن آنها تجدید بنا و بازسازی شده بود.

اما علی بن ابی‌بکر هروی (م ۶۱۱ ق) نظریه افزایش ستون‌ها را رد می‌کند.^۵ ابن‌جبیر نیز از وجود سه ستون داخل کعبه گزارش می‌دهد. گزارشی از ساخت‌وساز اساسی و کاهش ستون‌های کعبه در فاصله زمانی بین ناصرخسرو و ابن‌جبیر در دست نیست:

در داخل کعبه سه ستون از چوب ساج بسیار بلند قرار داشت ... ستون اول در وسط دیواری که دو رکن
یمانی آن را احاطه کرده و فاصله آن با دیوار یاد شده سه قدم بوده است. ستون سوم مقابل دیواری بوده
که دو رکن عراقی و شامی را احاطه نموده بود.^۶

وی به مکان ستون دوم در درون کعبه اشاره ندارد. حافظ ابرو نیز در قرن نهم به ستون‌های درون خانه اشاره کوتاهی
دارد که تأیید همان سه ستون است:

در آن خانه سه ستون است در ازای هم، یکی برابر در است و دیگری از آن بر جانب شمال و سیم از آن
هم بر جانب شمال و ستون‌ها چوبین است و بن ستون‌ها مربع است و زیر ستون‌ها هم چوبین.^۷

بنابر این در این دوره به‌طور کلی سیاحان از وجود سه ستون در درون کعبه خبر می‌دهند.

دو. دیوارهای داخل کعبه:

اولاً: در آثار برخی از سیاحان، از شکافی در دیوار کعبه سخن به میان آمده و نظرات متفاوتی درباره آن ارائه شده است. براساس گزارش ابن‌رسته، یک شکاف در دیوار خانه کعبه به اندازه ۲ ذراع و ۲۴ انگشت وجود داشت.^۸ ابن‌جبیر این شکاف را آبریز شست‌وشوی کعبه می‌داند.^۹ برخی نیز آن را جایگاه مقام ابراهیم عليه السلام و محل نماز جبرئیل و پیامبر عليه السلام دانسته‌اند^{۱۰} و

۱. مستوفی، *نزهة القلوب*، ص ۵.

۲. ناصرخسرو، *سفرنامه*، ص ۹۲.

۳. ناصرخسرو، *سفرنامه*، ص ۹۳.

۴. عابدی، «معماری خانه کعبه و مسجد الحرام به روایت سفرنامه حکیم خسرو قبادیانی»، *مجموعه مقالات کنگره معماری*، ص ۲۶.

۵. هروی، *الاشارات الی معرفة الزیارات*، ص ۲۴.

۶. ابن‌جبیر، *سفرنامه*، ص ۱۲۱ و ۱۲۲.

۷. حافظ ابرو، *جغرافیا*، ص ۲۰۸.

۸. ابن‌رسته، *اعلاق النقیسه*، ص ۴۲ و ۴۵.

۹. ابن‌جبیر، *سفرنامه*، ص ۱۲۳.

۱۰. کردی مکی، *کعبه و مسجد الحرام در گذر زمان*، ص ۱۳۰.

مشخص نکرده‌اند که دقیقاً این شکاف به چه منظور بوده است.

ثانیاً: پوشش دیوارها نیز مورد توجه سیاحان قرار گرفته است، از جمله ناصر خسرو در قرن پنجم قمری توصیف دقیقی از دیوارهای درون خانه دارد. وی ضخامت دیوار را شش شبر (وجب)، پوشیده به مرمراهی رنگارنگ و طلاکاری شده گزارش می‌کند و در سمت غربی کعبه، به شش محراب که به دیوار نصب شده بود و هریک به اندازه قد مردی از زمین ارتفاع داشت، اشاره می‌کند. این محراب‌ها نقره و طلاکاری شده و از سطح زمین بالاتر بودند و دیوار کعبه بالاتر از این محراب‌ها قرار گرفته بود. اما در جای دیگر می‌گوید:

در هر دیوار سه محراب قرار دارد. یکی بزرگ در میان و دو کوچک بر دو طرف، چنان‌که بر چهاردیوار دوازده محراب است.^۱

به نظر می‌رسد که محراب‌های اخیر جزئی از معماری دیوارهای خانه کعبه بوده‌اند، نه به صورت تزئینی که به دیوار افزوده شده باشند.

ابن جبیر نه تنها در قرن هفتم قمری از ورقه‌ای زرین که از نیمه بالای دیوار آویخته شده یاد می‌کند بلکه از ابریشم رنگین و گلابتون‌دوزی و سوزن‌کاری شده سقف که با رنگ پرده‌های دیوار هماهنگ بود، می‌گوید. این پرده‌ها سی و چهار تخته و از چهار طرف بر دیوارها آویزان شده بودند. هجده تخته بر دو دیوار بزرگتر و شانزده تخته بر دو دیوار کوچکتر آویخته بود.^۲ توصیفات ابن جبیر حاکی از تغییر تزئینات داخلی کعبه نسبت به دوره قبل بوده است.

ثالثاً: روزنه‌های کعبه مورد دیگری است که از درون کعبه گزارش شده است. بنا به روایت ازرقی در قرن سوم قمری:

در سقف خانه چهار روزن قرار دارد. یکی در کنار رکن غربی، دیگری در رکن یمانی، سومی رکن حجرالاسود و چهارمی در کنار ستون میانی کعبه، که این ستون در فاصله میان رکن حجرالاسود و رکن یمانی قرار دارد. روزنه‌ها به صورت مربع بوده و در بالای هریک مرمری یمانی قرار داده شده است.^۳

ناصر خسرو نیز از چهار روزن در چهار گوشه یاد می‌کند. با این تفاوت که بر هر روزنی تخته‌ای آبیگینه (آینه) قرار گرفته و باعث روشنی کعبه شده است،^۴ اما به روایت ابن جبیر، کعبه چهار روزن در دیوار و یک روزن در سقف داشت که بر آنها شیشه‌های زیبا با نقش و نگار عراقی نصب شده بود.^۵ در درون کعبه کتیبه‌هایی بود که نشان می‌داد سلاطین مصر در عمران و آبادانی این مکان مقدس سهیم بودند.^۶

۳. درب کعبه

برخی از سیاحان که به حج مشرف شده‌اند، به شرح درب کعبه، محل نصب، اندازه و شکل ظاهر، قفل و پله‌های ورودی آن پرداخته‌اند. موقعیت درب کعبه و اندازه آن توسط ناصر خسرو و ابن جبیر بیان شده است.

سیاح	واحد	موقعیت درب کعبه		ابعاد درب کعبه	
		فاصله از حجر	ارتفاع از زمین	عرض	ارتفاع
ناصر خسرو (م ۴۸۱ ق)	ارش / گز	۴ ارش / ۲.۲۰ متر	۴ ارش / ۲.۲۰ متر	۶.۵ ارش / ۳.۵۷ متر	۳.۵ گز / ۳.۸۵ متر
ابن جبیر (م ۶۱۴ ق)	وجب	۱۰ وجب / ۲.۲۵ متر	۱۱.۵ وجب / ۲.۵۸ متر	۸ وجب / ۲ متر	۱۳ وجب / ۳.۲۵ متر

جدول شماره ۴: موقعیت و ابعاد درب کعبه

در مقایسه ابعاد می‌توان به اختلاف عرض درب کعبه که معنادار است، اشاره نمود. برخی از سیاحان، ظاهر درب را نیز با دقت

۱. ناصر خسرو، سفرنامه، ص ۹۷ و ۹۳.

۲. ابن جبیر، سفرنامه، ص ۱۲۰ و ۱۲۲.

۳. ازرقی، اخبار مکه و ما جاء فیها من الآثار، ص ۲۹۱.

۴. ناصر خسرو، سفرنامه، ص ۹۴؛ حافظ ابرو عیناً همان مطلب را بیان کرده است. (حافظ ابرو، جغرافیا، ص ۲۰۸)

۵. ابن جبیر، سفرنامه، ص ۱۲۰.

۶. و چهار تخته نقره گین بزرگ ... بر هریک نام سلطانی از سلاطین مصر نوشته ... (ناصر خسرو، سفرنامه، ص ۹۴)

توصیف کرده‌اند. مسعودی در قرن چهارم قمری می‌گوید: «در دولنگه دارد که با ورق‌های نقره پوشیده شده و زر اندود است»^۱. ناصر خسرو جنس درب را از چوب ساج و پوشیده از طلا و نقره توصیف می‌کند و طرح‌های منبت و آیه منقوش بر آن را «إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ...» شرح می‌دهد. حلقه‌ها و قفل‌هایی بزرگ و کوچک از جنس نقره بر دو لنگه درب نصب کرده بودند که تا آنها را بر نمی‌داشتند، درب باز نمی‌شد.^۲

ابن جبیر در قرن هفتم قمری با نکته‌سنجی بیشتری ظاهر درب را به همراه قفل‌هایی که به آن آویخته شده، توضیح می‌دهد. در کعبه از سیم زراندود به صورتی بدیع به وصفی زیبا پرداخته شده که دیدگان از زیبایی آن خیره و خاشع می‌گردند ... در ارجمند را دو بازوی ستر از سیم زراندود و با نقشی بدیع در بر گرفته که به آستانه مبارک بالا رفته و برمی‌گشته است ...^۳.

همچنین مقابل درب، نردبانی از جنس چوب ساج قرار داشت و در مواقع لزوم جلوی درب قرار می‌گرفت و حاجیان از آن بالا می‌رفتند و به خانه وارد می‌شدند. پهنای نردبان طوری بود که ده مرد بر پهلوی هم می‌توانستند به کعبه وارد و خارج شوند.^۴ نردبان در زمان ابن جبیر، متحرک و دارای ۹ پله، مستطیل و با پایه‌های چوبی بود و پایه‌ها را در زمین ثابت کرده بودند. چهار قرقره بزرگ و ورق آهن داشت و بر زمین کشانده می‌شد تا به بیت کریم برسد و پله بالای آن در محاذات آستانه درب کعبه قرار می‌گرفت.^۵ توضیحات، نشان از کامل‌تر شدن تزئینات و ملزومات درب کعبه در طی زمان مورد بحث دارد.

۴. بام و ناودان کعبه

در گذشته بام کعبه سنگ‌فرش بود و به هنگام نزول باران، آب از آن می‌گذشت. بنا به گزارش ابن‌رسته، پرده‌داران کعبه بعد از سال ۸۰ ق آن را کنده و با مرمهرهای پخته و گچ مفروش و محکم نمودند.^۶ از دوره ناصر خسرو به بعد - یعنی قرن پنجم قمری - بام را با چوب پوشش دادند و چوب‌ها را با پارچه پوشاندند، طوری که چوب‌ها اصلاً مشخص نبودند.^۷ مستوفی بام کعبه را قلع اندود و حافظ ابرو آن را پوشیده به رخام یمانی سفید توصیف می‌کند.^۸ پشت‌بام، دریچه‌ای از جنس نقره داشت که به آن «باب‌الرحمه» گفته می‌شد و قفلی از نقره بر آن آویزان بود.^۹ ابن جبیر مانند ناصر خسرو به «باب‌الرحمه» و پلکان بام کعبه اشاره نمود:

دری است به نام باب‌الرحمه و از آنجا به بام آن خانه مکرم بالا می‌روند و بر آن طاقی زده‌اند که به بالاترین بخش سقف خانه پیوسته است. درون اتاق پلکان‌هاست. در آغاز پلکان اتاقی است که «مقام کریم» در آن واقع است.^{۱۰}

جنس ناودان و محل قرارگیری آن در بام کعبه نیز در روایت سیاحان آمده است. ولید ناودان کعبه را از طلای خالص ساخت.^{۱۱} به گفته ناصر خسرو ناودان کعبه در سمت شمال بام و طول آن سه گز (۱.۶۵ متر) بود. آب ناودان در حجر می‌ریخت و در زیر ناودان تخته‌سنگی بود به شکل محراب و اندازه سنگ طوری بود که یک فرد می‌توانست بر روی آن نماز بخواند.^{۱۲} اما ابن جبیر ناودان را از جنس مس و زراندود شده و زیر دیوار مشرف بر حجر اسماعیل عليه السلام و به اندازه چهار ذراع (۲.۲۰ متر) که

۱. مسعودی، مروج‌الذهب، ج ۱، ص ۱۳۲.

۲. ناصر خسرو، سفرنامه، ص ۹۳.

۳. ابن جبیر، سفرنامه، ص ۱۲۸ و ۱۲۹؛ جیهانی، اشکال العالم، ص ۳۳.

۴. ابن‌رسته، اعلی‌النقیسه، ص ۵۳؛ ناصر خسرو، سفرنامه، ص ۹۲؛ حافظ ابرو، جغرافیا، ص ۲۰۵.

۵. ابن جبیر، سفرنامه، ص ۱۳۰ و ۱۲۹.

۶. ابن‌رسته، اعلی‌النقیسه، ص ۴۲.

۷. ناصر خسرو، سفرنامه، ص ۹۴.

۸. مستوفی، نزهة القلوب، ص ۶؛ حافظ ابرو، جغرافیا، ص ۲۱۸.

۹. ناصر خسرو، سفرنامه، ص ۹۴.

۱۰. ابن جبیر، سفرنامه، ص ۱۲۱؛ ادریسی، نزهة المشتاق فی اختراق الآفاق، ص ۹۳.

۱۱. ازرقی، اخبار مکه و ما جاء فیها من الآثار، ص ۷۳؛ مسعودی، مروج‌الذهب، ج ۱، ص ۲۲۶.

۱۲. ناصر خسرو، سفرنامه، ص ۹۴ و ۹۵؛ حافظ ابرو، جغرافیا، ص ۲۰۸.

به طرف سنگ‌چین حجر بیرون آمده و پهنای آن یک وجب است، توصیف می‌کند.^۱ مستوفی نیز به محل قرارگیری و جنس ناودان اشاره دارد: «و ناودان سیمین دارد به طرف راست و در چپ خانه زمزم است.»^۲

۵. حجرالاسود

در اواخر قرن سوم قمری ابن‌رسته (م ۲۹۰ ق) محل حجرالاسود را در رکن عراقی (رکن جنوب شرقی) و در ارتفاعی قابل دسترس در بیرون کعبه گزارش می‌دهد.^۳ اما ناصرخسرو محل نصب آن را در همان رکن در داخل کعبه گزارش می‌کند. وی حجرالاسود را مدور به طول یک دست و چهار انگشت و به عرض هشت انگشت و فاصله‌اش را تا درب کعبه چهار ارش (۲.۲۰ متر) می‌داند و به «ملتزم» (فاصله بین در کعبه و حجرالاسود) اشاره می‌کند.^۴ به این ترتیب محل نصب حجرالاسود در فاصله زمانی ابن‌رسته (م ۲۹۰ ق) و ناصرخسرو (م ۴۸ ق) تغییر کرده بود.^۵ البته در گزارش غالب سفرنامه‌نویسان، حجرالاسود در همان رکن جنوب شرقی و بیرون خانه بوده است.^۶

توصیف ابن‌جبیر (م ۶۱۴ ق) درباره حجرالاسود متفاوت و کامل‌تر است. وی به اندازه، محل استقرار و اثرات عرفانی و خواص زیارت حجرالاسود می‌پردازد و آن را چسبیده به رکن شرقی می‌داند که به اندازه دو ذراع (۱.۱۰ متر) در دیوار جای داشته است:

پهنای آن، دو سوم وجب و طول آن، یک وجب و یک بند انگشت بوده و چهار قطعه به یکدیگر پیوسته است ... در آن زمان اطراف آن را با صفحه سیمین استوار کرده بودند ... حجرالاسود به‌طور ذاتی دارای طراوت و رطوبتی بود که در زمان بوسه‌زدن آن، دهان انسان خوش‌گوار می‌گردید ... در بخش سالم مانده حجرالاسود که برابر سمت راست کسی که برای بوییدن و بوسیدن برابر آن قرار می‌گیرد، نقطه‌ای کوچک سفید درخشانی وجود دارد که گویی خالی بر این صفحه خجسته اثر بوده و این لکه سفید خاصیتی داشته که چشم را روشنی بخشیده ...^۷

توصیف ابن‌جبیر از حجرالاسود یادآور ادبیات و فضای عرفانی حاکم در قرن هفتم ق است.

نتیجه

پس از بررسی تطبیقی گزارش سیاحان در خصوص بنای کعبه و مسجدالحرام از قرن ۸ - ۳ ق، بر محور سؤالاتی که در ابتدا بیان شد، نتیجه حاصله معطوف بر تغییرات کمی و کیفی است، اما این تغییرات به سرعت قرن اول و دوم نبود و محدودتر شد. با این حال در طول این دوره، مساحت مسجدالحرام حدود ۳۵۰۰ متر افزایش یافت و بر تعداد درب‌های مسجدالحرام نیز در هر بازسازی، افزوده می‌شد. مساحت کعبه کاهش و افزایش طول و عرض ابعاد را نشان می‌دهد که ناشی از نحوه اندازه‌گیری و تفاوت در مقیاس‌ها است.

اما تغییرات کیفی، حاکی از بهبود کیفیت بناهای مسجدالحرام است. مانند تجدید بنا و سنگ‌فرش شدن عرصه طوافگاه، به‌کار بردن فسفسا در نقش‌ونگار دیواره رواق‌ها، جلوه هنر آرابسک و قطعه‌های موزاییک در حجر اسماعیل عليه السلام، ایجاد محفظه زیبا و مقاوم برای مقام ابراهیم عليه السلام، قرارگیری آن در بیرون از کعبه به منظور زیارت حاجیان، نصب درب بر ورودی‌ها و تغییر اسامی درب‌ها که متأثر از اوضاع فرهنگی و سیاسی حاکم بوده است.

۱. ابن‌جبیر، سفرنامه، ص ۱۲۴.

۲. مستوفی، نزهة القلوب، ص ۴۳.

۳. ابن‌رسته، اعلای النفسه، ص ۶۳ و ۶۴.

۴. ناصرخسرو، سفرنامه، ص ۹۲.

۵. جنابی قرمطی در ۳۱۹ ق حجرالاسود را از کعبه ربوده، بیست سال نزد خود نگهداشت و در ۳۳۹ ق به رکن عراقی - محل اصلی خود - نصب کرد و احتمالاً پس از ۳۳۹ ق حجرالاسود از بیرون به درون خانه نصب شد. (عابدی، «معماری خانه کعبه و مسجدالحرام به روایت سفرنامه حکیم خسرو قبادیانی»، مجموعه مقالات کنگره معماری، ص ۲۶)

۶. جیهانی، اشکال العالم، ص ۴۴؛ ادیسی، نزهة المشتاق فی اختراق الآفاق، ص ۷۵؛ حجرالاسود را حجاج بن یوسف به بیرون کعبه و بر رکن شمالی که عراقی گویند، نشانند. (مستوفی، نزهة القلوب، ص ۶ و ۴۳)

۷. ابن‌جبیر، سفرنامه، ص ۱۲۶ و ۱۲۷.

در خصوص کعبه گزارش‌ها حاکی از ارتقاء کیفیت بنا از جمله استحکام کعبه، تنوع تزئینات درون کعبه، بهبود سنگ‌فرش پشت‌بام و باشکوه‌تر شدن درب کعبه و ملزومات آن، در اثر توجه خلفای عباسی و فاطمی بوده است.

منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم.
۲. ابن بطوطه، محمد بن عبدالله، *رحلة ابن بطوطه*، محقق عبدالهادی تازی، رباط مغرب، مطبوعات اکادیمیة المملكة العربية، ۱۴۱۷.
۳. ابن جبیر، ابوالحسن محمد بن احمد، *سفرنامه*، ترجمه رضا اتابکی، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۰.
۴. ابن خردادبه، ابوالقاسم عبدالله بن عبدالله، *المسالك و الممالک*، ترجمه سعید خاکرند، تهران، میراث ملل، ۱۳۷۱.
۵. ابن رسته، علی احمد بن عمر، *اعلاق النقیسه*، ترجمه و تعلیق حسین قره چانلو، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۵.
۶. ابن ظهیر، محمد بن محمد، *الجامع اللطیف فی فضل مکه و أهلها و بناء البيت الشریف*، قاهره، مکتبه الثقافه الدینیة، ۱۴۲۳ ق.
۷. ادیسی مراکشی، ابی عبدالله شریف، *نزهة المشتاق فی اختراق الآفاق*، ترجمه عبدالمجید آیتی، تهران، امیر کبیر، ۱۳۸۸.
۸. ازرقی، محمد بن عبدالله، *اخبار مکه و ما جاء فیها من الآثار*، بیروت، محقق رشیدی صالح المحسن، بیروت، دار الاندلس، ۱۴۱۶.
۹. بدر، عبدالباسط، *قراءة فی ادب الرحله*، بیروت، مطبع موسسه الرحله، بی تا.
۱۰. بوركهارت، تیتوس، *هنر اسلامی زبان و بیان*، به اهتمام مسعود رجب‌نیا، تهران، ناشر یکتا، ۱۳۹۲.
۱۱. پورامینی، محمد امین، *حجر اسماعیل در نگاه قرآن، روایات، فقه و تاریخ*، تهران، نشر مشعر، ۱۳۸۸.
۱۲. جر، خلیل، *فرهنگ لاروس*، ترجمه حمید طیبیان، تهران، امیر کبیر، ۱۳۹۱.
۱۳. جمعی از نویسندگان، *دانشنامه حج و حرمین شریفین*، نشر مشعر، تهران، ۱۳۹۲.
۱۴. جیهانی، ابوالقاسم بن احمد، *اشکال العالم*، ترجمه علی بن عبدالسلام کاتب، مقدمه و تعلیقات فیروز منصوری، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸.
۱۵. حافظ ابرو، شهاب‌الدین عبدالله، *جغرافیا، مقدمه و تصحیح و تحقیق صادق سجادی*، تهران، انتشارات بنیان، ۱۳۷۵.
۱۶. خامه‌یار، احمد، «حرمین شریفین در کتاب‌الاشارات الی معرفة الزیارات علی بن ابی‌بکر هروی»، *فصلنامه میقات حج*، ش ۲۲، ۱۳۹۳.
۱۷. خلف تبریزی، محمدحسین، *برهان قاطع*، تهران، انتشارات نیما، ۱۳۸۰.
۱۸. دینوری، ابوحنیفه احمد بن داوود، *الاخبار الطوال*، ترجمه محمد مهدوی دامغانی، تهران، انتشارات نشر نی، ۱۳۶۴.
۱۹. رضایی، مرتضی، «درآمدی بر سفرنامه‌های مسلمانان در عصر عباسی»، *نیم‌سالنامه تاریخ نو*، ش ۴، ۱۳۹۱.
۲۰. سلطان‌زاده، حسین، *فضاهای ورودی در معماری سنتی ایران*، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۹۰.
۲۱. طباطبایی، نسترن، «ذراع»، *دانشنامه جهان اسلام*، ج ۱۸، تهران، مرکز دایره المعارف جهان اسلام، ۱۳۹۳.
۲۲. عابدی، عقیل، «معماری خانه کعبه و مسجد الحرام به روایت سفرنامه حکیم خسرو قبادیانی»، *مجموعه مقالات کنگره معماری*، پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی، ۱۳۷۴.
۲۳. فاسی، محمد بن احمد، *شفاء الغرام باخبار البلد الحرام*، ترجمه محمد بن مقدس، تهران، مشعر، ۱۳۸۶.
۲۴. قاضی‌عسگر، سید علی، «موقعیت جغرافیایی مکه و مسجد الحرام»، *فصلنامه میقات حج*، ش ۵۴، ۱۳۸۴.
۲۵. قبادیانی بلخی، ناصر خسرو، *سفرنامه*، به کوشش نادر وزین پور، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۷۰.
۲۶. کردی مکی، محمد طاهر، *کعبه و مسجد الحرام در گذر زمان*، ترجمه هادی انصاری، تهران، نشر مشعر، ۱۳۷۸.
۲۷. ماهر محمد، سعاد، *الفن الاسلامیه، مصر، الهیئه المصریه العامه للکتاب*، ۱۹۸۶.
۲۸. مستوفی، محمد بن ابی‌بکر، *نزهة القلوب*، تصحیح و توشیح محمد دبیر سیاقی، تهران، حدیث امروز، ۱۳۸۱.
۲۹. مستوفی، محمد بن ابی‌بکر، *نزهة القلوب*، تصحیح و توشیح محمد دبیر سیاقی، تهران، کتابخانه طهوری، ۱۳۳۶.
۳۰. مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسن، *مروج الذهب*، ترجمه ابولقاسم پاینده، تهران، انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۷۴.
۳۱. مقدسی، ابوعبدالله محمد بن احمد، *احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم*، ترجمه دکتر علینقی منزوی، تهران، کوشش، ۱۳۸۵.
۳۲. هروی، علی بن ابی‌بکر، *الاشارات الی معرفة الزیارات*، به تحقیق علی عمر، قاهره، مکتبه الثقافه الدینیة، ۱۴۲۳.
۳۳. یعقوبی، احمد بن ابی‌یعقوب، *البلدان*، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۷.

34. <https://www.wikipedia.org>.